



سیمای محمد رسول الله (ص)

در صفحه ۲



هفته نامه فرهنگی ، سیاسی و خبری

weekly

PAIK-E-SAHAR

گزارش

سازمان بین‌المللی:
قحطی در غزه
عامدانه و ساختگی
است

در صفحه آخر



شماره هفتادوششم | سال سیزدهم | جمعه | ۳۱ اسد ۱۴۰۴ هـ.ش | ۲۸ صفرالمظفر ۱۴۴۷ هـ.ق | 22 August 2025



رجبعلی جلالی تمرانی؛ کارشناس علوم اسلامی، نویسنده و پژوهشگر

مهم ترین دست آورد های جنبش اسلامی طالبان در سایه جهاد و شهادت

به مناسبت فرا رسیدن ۲۴ اسد؛ چهارمین سالگرد پیروزی امارت اسلامی

اسلام دین جهاد و شهادت است. پیامبر اکرم بیست و سه سال با کفار قریش جنگید؛ ۱۳ سال در مکه جهاد فرهنگی و تبلیغی کرد و ده سال در مدینه جهاد نظامی کرد. او هفتاد غزوه و سریه را رهبری کرد. جهاد پیامبر هرگز تهاجمی نبوده است بلکه همواره تدافعی بوده است.

در تمامی جنگ های بدر و احد و حنین و خیبر و خندق و... کفار قریش و یهودیان و منافقین مدینه بر ضد پیامبر و اصحابش یورش نظامی کردند و پیامبر و اصحابش شجاعانه و متهورانه علیه آنها جنگیدند و سر انجام در سال هشتم هجری قمری، با ده هزار سرباز مسلح و مجهز مکه را بدون خونریزی فتح کردند.

پیامبر اکرم در طول ده سال نبرد خونین با کفار و مشرکین و یهودیان و منافقین مدینه مصداق اتم برای این آیه بود که :

« محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم... (سوره الفتح/ ۲۹)

محمد رسول الله و اصحاب و یارانش در صحنه های نظامی و اجتماعی با کفار و مشرکین سخت و خشن برخورد میکردند و اما در برابر مومنین و دوستان خویش بی نهایت رحیم و مهربان بودند.

اما هنگامی که در مکه بر کفار و مشرکین پیروز شدند، پیامبر اکرم مصداق اتم این آیه بود:

و انک لعلی خلق عظیم (سوره القلم/۴): ای پیامبر! تو واقعا مظهر خلق عظیم هستی؛ یعنی اخلاق تو و گذشت و عفو و اغماض تو در این دنیا بی نظیر است.

و نیز مظهر کامل این آیه بود: و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین (سوره الانبیاء/ ۱۰۷)

ما تورا به عنوان پیامبر رحمت و کرامت و انسانیت و معرفت برای کل عالم فرستادیم.

وجود نازنین تو برای کل بشریت، رحمت بیکران و خیر مطلق است.

ابوسفیان که بیش از بیست سال با پیامبر اکرم و اصحاب و یارانش جنگیده بود، با وساطت عباس عموی پیامبر از مرگ حتمی نجات یافت؛ یعنی پیش از رسیدن پیامبر در شهر مکه، عباس عموی پیامبر ابوسفیان را که سردمدار کفر و شرک بود ، با خودش در نزد پیامبر در حومه مکه برد و برای او امان نامه گرفت.

و ابوسفیان از روی اکراه و اضطراب کلمه شهادتین را بر زبان جاری ساخت و جان خودش را از مرگ حتمی نجات بخشید.

پیامبر اکرم بعد از فتح مکه رعشه بر اندام کفار و مشرکین انداخت و آنها را با سپاه جرار و نیرومند خویش بدون خونریزی شکست داد. و آنها هر لحظه حضرت عزرائیل را در پیش چشم خود بصورت مجسم میدیدند و یقین داشتند که پیامبر از آنهمه جنایت و خشونت و لشکر کشی های خصم بر ضد خود گذشت نخواهد کرد و اکنون انتقام سخت خواهد گرفت؛ اما ناگهان دریای بیکران رحمت محمدی به جوش آمد و خط نسیان و غفران رسولانه بر جرایم و اعمال ننگین و سنگین کفار قریش کشید و آنها را با این جمله مشهور

خویش از زیر دشنه و شمشیر خونچکان اصحاب و یاران خویش نجات بخشید و گفت: اذهبوا فانتم الطلقاء. بروید که همه شما آزاد هستید. با این گذشت رسولانه حضرت عزرائیل که برای قبض روح کفار و مشرکین آمده بود، در حیرت عظیم فرو رفته بود و با خودش میگفت: که ای محمد تو واقعا مظهر خلق عظیم و رحمت للعالمین هستی. واقعا اخلاق تو عظیم و عفو و اغماض تو در این دنیا بی نظیر است.

بدون شک هنگامی که جنبش اسلامی طالبان در بیست و چهار اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی کاخ ریاست جمهوری را در شهر کابل به تصرف خود درآورد و نظام جمهوریت بعد از بیست سال جنگ و خونریزی در برابر نظام امارت سقوط کرد، باز تاریخ تکرار شد؛ یعنی جنبش اسلامی طالبان کابل پایتخت افغانستان را بدون خونریزی فتح کرد و مانند محمد رسول الله ، رهبر طالبان عفو عمومی اعلام کرد. رهبر طالبان حتی حامد کرزی را که اولین رئیس جمهور افغانستان در دوره بیست سال اشغال افغانستان توسط آمریکا و ناتو بود، مشمول عفو عمومی خویش قرار داد و حتی دکتر عبدالله را که به عنوان رئیس اجرائیه بر ضد طالبان می جنگید مشمول عفو عمومی خویش قرار داد. از همه بالاتر گلبدین حکمتیار را که به عنوان قصاب کابل مشهور شد و سه سال جنگ و خونریزی در شهر کابل را رهبری میکرد(۷۳-۱۳۷۱) مورد عفو و اغماض عین خویش قرار داد.

در واقع رهبر طالبان بعد از فتح کابل به سیره پیامبر اکرم عمل کرد و کربانه چنین گفت: « اذهبوا و انتم الطلقاء؛ بروید و همه شما آزاد هستید.

به قول امام علی (ع): اذا قدرت علی عدوک فاجعل العفو عنه شکرا للقدرة علیه:

هرگاه بر دشمنت غلبه پیدا کردی عفو و گذشت را به عنوان شکرگزاری از این پیروزی قرار بده.

چنانچه او بر قاتلش ابن ملجم مرادی ترحم میکرد و به فرزندانش توصیه میکرد یا گذشت کنند از او و یا عادلانه او را با یک ضربت قصاص کنند نه بیشتر.

بدون شک اعلام این عفو عمومی از طرف رهبر طالبان، مولوی هیبت الله آخوند زاده، در تسخیر قلوب مردم افغانستان نقش اساسی و عمده داشته است. هرچند ممکن است در بعض مواقع، بعض زورمندان از قدرت خویش سوء استفاده کرده باشد و بعض انسان هارا در معرض اعدام و انتقام قرار داده باشد. ولی بازهم عفو عمومی از طرف رهبر جنبش اکثر مخالفین طالبان را نجات بخشیده است.

اکنون بد نیست که مهم ترین دست آورد های جنبش طالبان را در سایه جهاد و شهادت اینگونه فهرست بندی کنیم:

۱- اولین دست آورد مهم طالبان که در ظل

جهاد و شهادت بدست آمد، استقلال سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی و ... بوده است.

بدون شک هنگامی که آمریکا و ناتو سرزمین افغانستان را اشغال نظامی کردند، استقلال سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی این سرزمین را از بین بردند و در عوض فرهنگ غربی را جایگزین فرهنگ اسلامی کردند. هرچند براساس قانون دموکراسی آقای حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان شد و او در ظاهر فرمانروای این سرزمین بود؛ اما در عالم واقعیت، آمریکا و ناتو در این سرزمین حاکمیت مطلق داشتند نه حامد کرزی . حامد کرزی به مدت سیزده سال رئیس جمهور افغانستان بود.

در دوره او هرچند بازسازی کابل و بعض ولایات افغانستان آغاز شد و دانشگاه ها و مکاتب خصوصی تاسیس شدند ومخابرات به سبک مدرن فعال شدند و رادیو ها و تلوزیون های خصوصی بصورت قارچ گونه رشد کردند و افغانستان در خط مدرنیته قرار گرفت، اما درهمین زمان، فساد اخلاقی و اداری به اوج رسیده بود. اعتیاد و فساد در این سرزمین بیداد میکرد و به اوج رسیده بود. تن فروشی و فساد اخلاقی توسط مزدوران استعمار به یک شغل پر در آمد تبدیل شده بود. ارتشاء و احتکار در شهر و بازار و ادارات دولتی باز به اوج خود رسیده بود.

آمریکا و ناتو مدام شبانه یا روزانه معادن افغانستان را استخراج میکردند و به آمریکا و اروپا انتقال میدادند. در این دوره، کشت خشخاش و تریاک به شدت رونق پیدا کرده بود و بیش از دو میلیون معناد در کابل و ولایات افغانستان در سایه گذشت و اغماض عین دولت از مواد مخدر استفاده میکردند. بعد از استخراج وغارت معادن شاید دومین چیزی که برای استعمارگر و مافیای داخلی و بین المللی بسیار در آمد زا بود، تولید و فروش و قاچاق تریاک و مواد مخدر بود.

بعد از پایان دوره حاکمیت آقای حامد کرزی، آقای اشرف غنی بر اریکه قدرت تکیه زد و او هفت سال در این سرزمین حکومت کرد. در کل این دو شخصیت سیاسی به مدت بیست سال در این سرزمین حکومت کرد که اگر بخواهیم این دوره بیست ساله را بررسی کنیم نیازمند به نوشتن یک کتاب قطور می باشد.

بدون شک در این دوره بیست ساله افغانستان از نظر مادی رشد کرد، ولی از نظر معنوی و دینی و فرهنگی به شدت سقوط کرد. غریزدگی و تهاجم فرهنگی غرب به اوج رسیده بود.

حتی بعض ملاها و مولوی ها در شهر کابل در این دوره، عبا و قبا و عمامه را دور انداختند و ریش هارا تراشیدند و کروات میزدند و علیه دین و مذهب سخن میگفتند. اساتید دانشگاه ها اغلب خود را روشنفکر و ضد دین و مذهب معرفی کردند. زنان و

ادامه در صفحه بعد

ادامه سرمقاله

دختران و جوانان ما در میان لجنزار فساد و اعتیاد می لولیدند و مرتب غرق میشدند و هزاران انسان معتاد در زیر پل سوخته در میان آنهمه گند و کثافت میکروب وار زندگی میکردند و روزبروز رشد میکردند و تکثیر میشدند و رهبران سیاسی و نظامی و حتی دینی ما از کنار آنها بی تفاوت می گذشتند و هیچگونه اقدامی برای نجات معتادین از شر اعتیاد نمیکردند!

در این دوره بیست ساله نام حکومت جمهوری اسلامی افغانستان بود، اما در عمل از اسلام و قرآن خبری نبود.

به تعبیر کارشناسان حقوق، دولت افغانستان در این دوره بهترین قانون اساسی را تدوین کرده بود، اما در عمل به این قانون اساسی هرگز عمل نمیکرد. بازرس ویژه آمریکا برای افغانستان(سیگار) میگوید که از اکتبر ۲۰۲۱ تاکنون آمریکا ۲۱/۶ میلیارد دلار برای افغانستان هزینه کرده است.

اما بدون شک ۵۰٪ این هزینه در جیب رهبران فاسد و مفسد دوره جمهوریت سرازیر شده است و توده های مردم هرگز از این دلارها ی هنگفت برخوردار نشده اند.

بسیار شگفت انگیز است که جنبش اسلامی طالبان یک تنه با تکیه بر نیروی ایپان علیه آمریکا و ناتو بیست سال جنگیدند و سر انجام بر دیو استعمارگر غربی غلبه پیدا کردند. اما در دوره اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی، صد ها گروه سیاسی و نظامی شیعه و سنی بر ضد ارتش اشغالگر شوروی و رژیم کمونیستی کابل جنگیدند و آمریکا و اروپا و کشورهای اسلامی از قبیل ایران و عربستان و پاکستان و ... علنا از مجاهدین حمایت اقتصادی و تسلیحاتی میکردند و سر انجام آنها نیز پیروز شدند. میخواهم بگویم که در اینجا یک گروه بنام جنبش اسلامی طالبان در ظل جهاد و شهادت و در ظل وحدت رهبری، بزرگترین ابر قدرت جهان یعنی آمریکا و ناتو را شکست داد و در آن دوره، صدها گروه سیاسی علیه ارتش اشغالگر شوروی جنگیدند و سرانجام پیروز شدند.

سیاهی لشکر نباید به کار یکی مرد جنگی به از صد هزار

بدون شک آیات جهاد و شهادت در طول سه دوره اشغال افغانستان توسط استعمار گران انگلیس و شوروی و آمریکا ملت افغانستان را تبدیل به شعله های آتش ساختند و سه ارتش قدرتمند استعمارگر را در این سرزمین شکست دادند و فراری و متواری ساختند.

بدون شک استقلال واقعی افغانستان در بیست و چهارم اسد ۱۴۰۰ توسط جنبش اسلامی طالبان محقق شد و فرار اشرف غنی و دارودسته اش از کاخ ریاست جمهوری بسوی تاجکستان و فرار مزدوران آمریکا و انگلیس و فرانسه و... از فرودگاه کابل به سوی قطر و امارات و...واقعا قدرت اسلام و قرآن را در این سرزمین به نمایش گذاشتند و روحیه ضد استعاری ملت افغانستان را در صفحات این تاریخ ثبت کردند.

۲- دومین دست آورد مهم طالبان بعد از پیروزی و تکیه زدن بر اریکه قدرت، برقراری امنیت عمومی و سرتاسری می باشد.

۳- سومین دست آورد مهم طالبان بعد از پیروزی، پیاده کردن احکام شریعت در سرتاسر افغانستان میباشد.

۴- چهارمین دست آورد مهم طالبان در طول چهار سال حاکمیت آنها در این سرزمین، مبارزه با فساد اخلاقی و اداری میباشد.

بدون شک برای نخستین بار در این سرزمین امارت اسلامی یک وزارت خانه مستقل را تحت عنوان «وزارت امربمعروف و نهی از منکر» تشکیل داد که در کل تاریخ افغانستان و جهان بی سابقه می باشد.

مبارزه با فساد اخلاقی و اداری مستلزم این است که خود آمران بمعروف و ناهیان از منکر مذهب به اخلاق اسلامی باشند و از قوانین شریعت واقعا اطلاع کافی داشته باشند.

دیگر این که آمران بمعروف و ناهیان از منکر باید از افراط و تفریط پرهیز کنند و سنت های ملی و اجتماعی

و مذهبی جامعه را رعایت نمایند.

۵- پنجمین دست آورد مهم طالبان، مبارزه جدی و قاطع با اعتیاد و تکثیر معتادین و تولید مواد مخدر می باشد.

واقعا هنگامی که از کنار پل سوخته عبور میکنم و آنهمه انسان معتاد را در زیر پل سوخته نمی بینم به شدت مسرور و خوشحال میشوم و مبارزه جدی وقاطع امارت اسلامی بر ضد اعتیاد و معتادین را به شدت تحسین میکنم.

۶- ششمین دست آورد مهم طالبان مبارزه با سرقت وغارت اموال عمومی توسط سارقان موتور سوار و مسلح در کابل و وباقی ولایات می باشد. در دوره اشرف غنی سرقت مسلحانه و جیب بری و حتی اختطاف به اوج خود رسیده بود. البته در دوره امارت اسلامی نیز متأسفانه گاهی اختطاف و سرقت مسلحانه در بعض روستاها و شهرهای افغانستان صورت میگیرد؛ اما نسبت به دوره جمهوریت به شدت کاهش یافته است.

۷- هفتمین دست آورد مهم طالبان انحلال احزاب سیاسی و متعدد در دوره جمهوریت می باشد. بدون شک تعدد احزاب و تعدد رهبری یکی از بزرگترین عوامل جنگها و خونریزی های داخلی در طول چهل سال گذشته بوده است.

۸- هشتمین دست آورد مهم طالبان اعمار سرک ها و جاده های وسیع و معیاری در شهر کابل و بعض ولایات افغانستان می باشد.

۹- نهمین دست آورد مهم طالبان، استخراج و تصفیه معادن افغانستان و بستن قرداد های مهم با دو کشور چین و ایران و کشورهای آسیای میانه و ... میباشد.

۱۰- دهمین دست آورد مهم طالبان برقراری ارتباط سیاسی و اقتصادی فعال با اکثر کشورهای جهان می باشد. بدون شک آقای امیرخان متقی به عنوان وزیر خارجه افغانستان یک انسان بسیار فعال و بافرهنگ و زبان شناس و جهان شناس میباشد. در سایه تلاش های مستمر او یک ماه پیش دولت روسیه امارت اسلامی را به رسمیت شناخت. شاید در آینده نزدیک بعض کشورهای دیگر نیز دولت امارت اسلامی را برسمیت بشناسند.

در خاتمه این گفتار باید چنین گفت که امارت اسلامی برای حفظ دست آورد های مذکور باید شب و روز تلاش کنند و یک قانون اساسی کامل بر اساس قرآن و سنت بنویسند و عدالت انسانی و اجتماعی را در این سرزمین مستقر کنند و تبعیض قومی و مذهبی را نیز در این سرزمین ریشه کن نمایند و مانند پیامبر معظم اسلام که سلپان فارسی و ابوذر غفاری و بلال حبشی سیاه پوست را در برابر «ترازوی عدالت» با یک انسان هاشمی و قریشی مساوی میدانست، همه اقوام و قبایل را در این سرزمین به عنوان بندگان الله برادر و برابر بخوانند و از حقوق مساوی برخوردار بسازند و فقط «شایسته سالاری» را برای انتخاب کارمندان دولتی و اساتید دانشگاه ها و... معیار قراربدهند نه پشتون بودن یا تاجیک و ازبیک و هزاره بودن را.

بدون شک دین اسلام، یک مکتب جامع و کامل و چند بعدی است که هم انسان متدین می سازد و هم انسان متمدن، اما مشروط به این شرط که امارت اسلامی«عدالت انسانی و اجتماعی» را در میان زنان و مردان این سرزمین به صورت یکسان بر قرار کنند و جلو تحصیل دختران در لیسه ها و دانشگاه هارا بیشتر از این نگیرند. اگر بیشتر از این جلو تحصیل دختران گرفته شود، ما در آینده دیگر متخصص و دکتر زن نخواهیم داشت. آنگه مجبور میشویم که زنان و دختران مان را در وقت مریضی و زایمان در پیش دکتر مرد بفرستیم و دیگر محرم و نامحرم رعایت نخواهد شد. بسیار مبرهن است که اسلام یک دین جهانی است و قرآنکرم نیز به عنوان بزرگترین قانون اساسی خداوند در روی زمین معرفی شده است. ما باید بر اساس قرآن و سنت و علوم دینی و جدید، جامعه ای بسازیم که اندام آن تمدن باشد و روح آن مذهب و معنویت.

والسلام



رجبعلی جلالی تمرانی؛ کارشناس علوم اسلامی، نویسنده و پژوهشگر

سیمای محمد رسول الله(ص)

به مناسبت فرا رسیدن رحلت پیامبر اکرم(ص) در ۲۸ صفرالمظفر

تومند و قدرتمند شود و پر بار و پر ثمر شود که تمامی خلق از میوه او سیر شود و لذت ببرد.

او در دوره جوانی به درخواست خدیجه مدتی لباس تجارت به تن کرد و بین مکه و شام چند دوره رفت و آمد نمود و بدلیل داشتن هوش سرشار مثل یک تاجر ورزیده سود کلانی را به دست آورد و بدینوسيله خدیجه را که بزرگترین زن ثروتمند مکه بود به شدت مسحور و مفتون خود ساخت.

او در سن ۲۵ سالگی با خدیجه بنت خویلد که چهل ساله بود رسا ازدواج کرد: خدیجه تمام ثروتش را به اختیار محمد گذاشت. لطف بیکران خداوند این جوان یتیم را در اوج جوانی از ثروت کم نظیر خدیجه برخوردار ساخت.

ثروت خدیجه مثل قارون هرگز او را مغرور و متکبر ساخت بلکه ثروت خدیجه زمینه عبادت و سخاوت او را بیشتر فراهم ساخت. او هر سال در غار حرا می رفت و با معشوق ازلی سخن میگفت و مجنونوار به دنبال لیلی می گشت و همواره در برابر آن عشق مطلق، اشک شوق می ریخت. و مدام مثل موسی مشتاق دیدار او بود.

فرشته وحی مدام از او مراقبت میکرد. او در حضر و سفر مجذوب آن جلال و جلال و کمال مطلق بود و لحظه ای از قلمرو آن مغناطیس عظیم فرار نمی کرد. به عبارت دیگر: او مسحور و مفتون کمال مطلق جهان بود و در برابر آن قدرت بیکران، همواره سر کرنش به زمین می سائید و تمام وجودش را در برابر آن واجب الوجود مطلق، محوو فانی تلقی میکرد.

چشمان خمار و جذاب او در دل شهبان تاریک مجذوب و مسحور آسمان و ستارگان رنگارنگ میشد نه مسحور زنان و دختران قشنگ. او می گفت: ان الله جميل و يحب الجمال؛ خداوند جمیل مطلق و خالق جمال است. پس باید مسحور جمال مطلق شد نه مسحور جمال ناقص و فانی و زوال پذیر.

روح او آنچنان بزرگ و عظیم بود که در این جهان پهناور هرگز نمی گنجید.

محصول ۲۵ سال زندگی مشترک او با خدیجه عبارتند از سه پسر بنامهای قاسم و عبدالله و طاهر و چهار دختر به نامهای زینب و رقیه و ام کلثوم و فاطمه زهرا. البته یک پسر دیگر به نام ابراهیم محصول زندگی

نام او محمد و احمد و لقب او مصطفی است. نام پدرش عبدالله و نام مادرش آمنه بنت وهب می باشد.

او در روز جمعه هفدهم ربیع الاول، سال عام الفیل، یعنی چهل سال قبل از بعثت دیده به جهان گشود.

طبق نظر اهل سنت، ولادت آنحضرت در روز دوشنبه دوازدهم ماه ربیع الاول اتفاق افتاده است.

او قبل از تولد پدر را از دست داد و در سن شش سالگی مادرش رحلت کرد و او تنها ماند و یتیم شد.

سرپرست او تا سن هشت سالگی جدش عبدالمطلب بود. هنگامی که عبدالمطلب بزرگ قریش، از این دنیای فانی رحلت کرد، ابوطالب عمویش، سرپرست محمد شد.

محمد در دوران کودکی در قرايط(کوههای اطراف مکه) گوسفند چرانی و چوپانی میکرد. آری، سنت الهی این بوده که پیامبران بزرگ که مسیر تاریخ بشر را عوض کرده اند، همگی چوپان بوده اند. تا رهبری امم و ملل مختلف را از طریق چوپانی در دوران کودکی بیاموزند و تمرین کنند. او سیای خوشگل و جذاب داشت؛ فرشته وحی مدام از این انسان نمونه مراقبت میکرد.

دست غیب همواره او را از شر اشرار و بلیات ارضی و ساوی نجات میداد. او در پناه الله رشد کرد و بالید و در اوج جوانی رسید.

او نه مثل بت پرستان عصر خویش بت را می پرستید و نه به دین یهود و نصارا و مجوس ایپان پیدا کرد، بلکه خدای ابراهیم خلیل را که یکتا و بی همتا بود می پرستید و به او عشق می ورزید و تنها در آستانه او سر کرنش به زمین می ساید و پس.

او در جوانی، مظهر امانت و صداقت و فتوت بود. او در جوانی به پیمان « حلف الفضول» پیوست و از محرومین جامعه به شدت دفاع میکرد. آنچنان در امانت داری و صداقت، شهرت پیدا کرد که مردم مکه به او « محمد امین» می گفتند.

او در اوج جوانی، عاشق یک معشوق آسمانی و ملکوتی بود که تمام معشوقههای زمینی را در برابر آن جمال مطلق ناچیز و حقیر می نمود.

باغبان ملکوت همواره از این نهال سرسبز و خرم پاسداری می کرد و تلاش می کرد که این نهال آنچنان

ادامه سیمای محمد رسول الله(ص)

برابر بودند.

امام ابوحنیفه شاگرد امام صادق علیه السلام بود.

او دو جمله مشهور را درباره امام صادق علیه السلام اینگونه بیان کرده است:

الف- لولا السنتان لهلك النعان: اگر نعان بن ثابت دو سال شاگرد امام صادق نبود، بدون شک او هلاک می شد.

ب- مارئیت افقه من جعفرین محمد علیه السلام: من در این عصر، فقیه تر از جعفرین محمد ندیدم.

سنت چیست؟ سنت از دیدگاه مذهب تشیع عبارت است از قول معصوم و فعل معصوم و تقریرو سکوت معصوم. به عبارت دیگر تمام روایات صحیح و حسن و موثق که از طریق پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام بدست ما رسیده اند از نظر علمای شیعی دارای حجیت و اعتبار هستند.

اما اهل سنت فقط روایاتی را معتبر میدانند که از طریق پیامبر و اصحاب آنحضرت بدست آنها رسیده باشند. آنها روایات معصومین و امامان شیعی را معتبر نمی دانند.

از دیدگاه مذهب حنفی قیاس و استحسان نیز مدرک صدور فتوا می باشند، اما مذهب جعفری فقط حکم عقل را که مطابق شرع باشد قبول دارد و قیاس و استحسان را معتبر نمی داند.

در حوزه های علمیه شیعه در کنار فقه و اصول و منطق و فلسفه و کلام و ادبیات عرب، دو علم دیگر بنام درایه و رجال نیز رشد کرده است. علم درایه علم حدیث شناسی است و علم رجال علم راوی شناسی است.

اگر مجتهدین بزرگ ما با غربال علم و دانش احادیث جعلی را از میان کل احادیث شیعه و سنی استخراج کنند و قرآن را از شر روایات جعلی نجات بدهند، اینهمه اختلاف نظر در بین علمای شیعی و سنی وجود پیدا نخواهند کرد. مثلا: قرآن کریم علم و دانش را ملاک برتری انسان عالم بر انسان جاهل میداند و می گوید: قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون؟ ای پیامبر بگو: آیا انسان عالم با انسان جاهل برابر هستند؟ هرگز برابر نیستند. این آیه چون عام است هم مذکر را شامل می شود و هم مونث را.

پس تحصیل علم و دانش هم در این آیه و هم آیات دیگر بر زن و مرد واجب هستند. چون ملاک برتری انسان مضاف برداشتن تقوا علم و دانش معرفی شده است.

اما بعض روایات منسوب به پیامبر و ائمه که واقعا جعلی هستند از با سواد شدن زن و تحصیل زن نهی کرده اند.

منبع اصلی اجتهاد قرآن کریم است. هرگاه یک روایت یا چند روایت با آیات قرآن تعارض پیدا کنند، در اینجا هم عقل و هم شرع حکم می کند که باید آن روایت جعلی و معارض را دور انداخت و به نص قرآن عمل کرد.

به عبارت دیگر اگر روایتی معارض با آیات قرآن باشد، فاضربوه علی الجدار! یعنی او را بر دیوار بکوبید و به آن عمل نکنید.

باید سوگمندانه بگویم که در عصر حاضر هم قرآن کریم مهجور است و هم سنت نبوی و علوی. امروز تهاجم و شبیخون فرهنگی غرب در جهان اسلام و حتی کل جهان اکثر مسلمین را از قرآن و سنت دور کرده اند.

مثلا در همین افغانستان ما، شبیخون فرهنگی غرب در طول بیست سال حاکمیت روشنفکران غربگرا، نسل جوان ما را بر ضد قرآن و سنت به بار آوردند. اکثرا قرآن و سنت را تحقیر میکردند و به فرهنگ مبتدل غربی باور داشتند. به گفته دکتر شریعتی، تهاجم فرهنگی غرب، نسل جوان ما را به الیناسیون فرهنگی گرفتار کرده است.

الیناسیون فرهنگی چیست؟ الیناسیون یعنی بیگانه شدن و دور شدن از فرهنگ اسلامی و ایپان پیدا کردن به فرهنگ غربی و شرقی.

بدون شک کورس‌های انگلیسی و کیمیا و فیزیک و... به شدت بالاتر و با رونق‌تر از کورس قرآن بودند.

نسل جوان ما حاضر بودند برای یاد گرفتن زبان انگلیسی و خارجی چندین هزار افغانی فیس بدهند، اما اگر در کلاس قرآن می رفت و ثبت نام می کرد، دادن صد افغانی به عنوان فیس بخاطر کلاس قرآن بسیار ناگوار و سنگین تمام میشد. چرا؟

چون رسانه های غربزده و مزدور شب و روز تبلیغ میکردند و فرهنگ غربی را فرهنگ مرفقی و فرهنگ اسلامی را فرهنگ قدیمی و سنتی و ضد ترقی معرفی می کردند و نسل جوان ما را بر ضد قرآن و سنت به بار می آوردند. اکنون بصورت فهرست وار ویژگیهای سیای محمد و آخرین مبعوث زمین را از دیدگاه قرآن کریم خدمت خوانندگان عزیز به عرض می رسانم:

نام محمد پیامبر اسلام در قرآنکریم با عنوان محمد چهار بار و با عنوان احمد یکبار آورده شده است:

احمد در سوره صف آیه ۶ و محمد در سوره های آل عمران، آیه ۱۴۴ و سوره احزاب آیه ۴۰ و سوره محمد آیه ۲ و سوره فتح آیه ۳۹ آمده است.

در سوره آل عمران آیه ۱۴۴ چنین آمده است:« محمد ص فرستاده خدا بود و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود شما به عقب بر می گردید؟ یعنی او اگر بمیرد شما اسلام را رها می کنید و به دوران کفر و شرک و بت پرستی بر می گردید؟ و هرکس به

مشترک او با ماریه بود. خداوند هر چهار پسر را به تدریج از محمد گرفت و بدین‌وسیله روح او را در برابر مصیبت‌های عظیم خانوادگی و اجتماعی صیقل داد و به شدت نیرومند ساخت.

سرانجام آن ریاضت‌ها و عبادتها و راز و نیازهای شبانه و روزانه به برگ و بار نشست و آن خودسازی‌ها و عشق‌بازی‌های عرفانی در برابر آن معشوق ازلی به اوج رسید و زمینه ساز یک بعثت تاریخی و بی نظیر شد و جهان را به شدت دگرگون ساخت.

آری، آن عارف بزرگ، نه، بلکه آن سردسته عارفان و عاشقان جهان در سن چهل سالگی مبعوث به رسالت و نبوت شد.

فرشته وحی بنام جبرئیل به دستور رب الارباب ناگهان از آسمان به زمین فرود آمد و در غار حرا اولین آیه قرآن را اینگونه قرائت کرد: اقراء بسم ربک الذی خلق! ای محمد! بخوان بنام پروردگارت که تمام هستی را او خلق کرده است.

محمد ابتدا ترسید و رعشه براندامش افتاد و سپس گفت: من نمی توانم بخوانم، چون اصلا سواد ندارم.

باز فرشته وحی گفت: محمد بخوان! بنام پروردگارت که تمام عالم هستی را او خلق کرده است.

محمد گفت: نه، نمی توانم اصلا سواد ندارم.

باز فرشته وحی مرتبه سوم سخشن را تکرار کرد. باز محمد گفت: نمی توانم، چون اصلا سواد ندارم.

ناگهان دریچه غیب به روی او گشوده شد و نور رسالت و نبوت بر قلب و مغز او تابیدن گرفت و تمام حقایق علوم را برای او عرضه کرد؛ فیاض مطلق، او را از فیض نبوت و رسالت عظیم برخوردار ساخت.

او از زبان جبرئیل تمام آن پنج آیه را که در اول سوره علق آمده است تکرار کرد و احساس کرد که کوله بار سنگین رسالت و نبوت اکنون کمر او را می شکند.

الم نشرح لک صدرک! ای محمد! ما سینه تو را گشاده نساختیم؟ یعنی ما به تو سعه صدرو جهان بینی بزرگ و عظیم عطا کردیم. و وضعا عنک وزرک؛ و بار سنگینت را از دوش تو برداشتیم؟! یعنی بار سنگین رسالت و نبوت را به کمک من به سر منزل مقصود رساندی. الذی انقض ظهرك؛ اگر من تو را کمک نمی کردم، بار سنگین رسالت و نبوت کمر تو را می شکست.

و رفعا لک ذکرک؛ ما نام تو را در عالم بلند ساختیم. شهرت تو در کل جهان، مدیون رب الارباب می باشد.

فان مع العسر یسرا: آری با هر سختی یک آسانی و راحتی می باشد. ان مع العسر یسرا: آری، بدون شک، با هر سختی یک راحتی می باشد. فاذا فرغت فانصب: پس هرگاه از حجة الوداع فارغ شدی؛ امام علی را در روز هجدهم ذی الحجه، در مکانی به نام غدیر به خلافت و امامت مسلمین نصب کن!

و الی ربک فارغب؛ و سپس به سوی پروردگارت آهنگ رحیل کن.

بدون شک بعثت پیامبر اکرم در ۲۷ رجب مطابق با ۶۱۰ میلادی به وقوع پیوست و قرآنکریم به صورت کلی و دفعی در ماه مبارک رمضان و شب قدر و بصورت تدریجی و بر اساس مقتضیات زمان در طول بیست و سه سال برای محمد نازل شد. به جرئت میتوان گفت که بزرگترین معجزه محمد در این جهان، قرآنکریم است که در فصاحت و بلاغت و داشتن محتوای غنی در این دنیا بی نظیر است.

قرآنکریم شش هزار و ششصد و شصت و شش آیه دارد. هر آیه قرآن یک قانون زندگی است که اگرهر انسان منصف آیات قرآن را بدرستی و مفصل مطالعه کند، به سرعت میفهمد که این آیه و این سوره نمیتواند تراوش یافته از مغز بشر باشد؛ بدون شک می فهمد که این آیات و سور مولود عالم مطلق و قادر مطلق می باشند و مولود فکر بشر نیست ولو اینکه آن بشر نابغه باشد. چنانچه شعرای بزرگ عرب با شنیدن آیات و سور قرآن در برابر فصاحت و بلاغت و محتوای غنی قرآن تمکین نمودند و معلقات سبعه را که مشهورترین قصاید شاعران عرب بودند از دیوار کعبه کندند و دور ریختند و حتی لبید شاعردر برابر قرآنکریم تمکین نمود و مسلمان شد.

بدون شک قرآنکریم هم منبع جهاد است و هم منبع اجتهاد. قرآنکریم و سنت و اجماع و عقل به عنوان ادله اربعه پایه و اساس اجتهاد را تشکیل می دهند.

بزرگترین و مهم ترین امتیاز مذهب تشیع نسبت به مذاهب اربعه اهل سنت این است که علمای شیعی می توانند بر اساس ادله اربعه دست به اجتهاد بزنند و موضوعات مستحدثه را پاسخگو باشند.

اما علمای اهل سنت درب اجتهاد را بسته اند و آنها مکلف اند که بر اساس فتوای مفتیان اربعه عمل کنند و خودشان فتوای مستقل ندارند بلکه به فتوای امام ابوحنیفه و امام مالک و امام شافعی و امام احمد حنبل عمل می کنند.

بدون شک هم فقه شیعه و هم فقه سنی غنی ترین فقه در کل جهان است.

بنیانگذار فقه شیعه امام جعفر الصادق علیه السلام می باشد و بنیانگذار فقه اهل سنت، امام ابوحنیفه رحمة لله علیه می باشد. و این دو شخصیت عظیم الشان هر دو معاصر بودند و از نظر سن و سال نیز

شاعر:

سید حمید

رضا برقی

درس‌وگ امام حسن مجتبی(ع)

نشستم گوشه ای از سفرهء همواره رنگینت

چه شوری در دلم افتاده از توصیف شیرینت

به عابر ها تعارف می کنی دار و نداشت را

تو آن باغی که میریزد بهشت از روی پرچینت

کرم یک ذره از سرشار ، سرشارِ صفتِ هایت

حسن یک دانه از بسیار ، بسیارِ عناوینت

دهان وا می کند عالم به تشویقِ حسین اما

دهانِ رحمه للعالمینِ واشد به تحسینت

تو دینِ تازه ای آورده ای از دیدِ این مردم

که با یک گل کنیزی می شود آزاد در دینت

معزالمومنین خواندنِ مذل المومنین گفتنِ

اگر کردند تحسینت اگر کردند نفرینت

برای تو چه فرقی دارد ای والتین و الزیتون

که می چینند مضمونِ آسمان ها از مضامینت

بگو با آن سفیرانی که هرگز بر نمی گشتند

فراخوانده خدا جبرائیل هایش را به تمکینت

بگو تا تیغِ برداریم اگر جنگ است آهنگت

بگو تا تیغِ بگذاریم اگر صلح است آیینت

خدا حیران شمشیرِ علی در بدر و خندق بود

علی حیران تیغِ نهروانت تیغِ صغینت

بگو از زیر پایت جانمازِ این قوم بردارند

محبت کن! قدم بگذار بر چشمِ محبینت

تورا پایین کشیدند از سرِ منبر که می گفتند:

چرا پیغمبر از دوشش نمی آورد پایینت

درون خانه هم محرمِ نمی بینی تحمل کن

که می خواهند، ای تنها ترین تنها تر از اینت

تو غم های بزرگی در میانِ کوچه ها دیدی

که دیگر این غمِ کوچک نخواهد کرد غمگینت

از آن پایی که بر در کوفت بر دل داشتی داغی

از آن دستانِ سنگینِ بیشتر شد داغِ سنگینت

سرِ راحت می آمد آنکه نامش را نخواهم برد

برای آنکه عمری تازه باشد زخمِ دیرینت

برای جاری اشکت سراغِ چاره می کردی

که زینب آمده با چادرِ مادر به تسکینت

به تابوتِ تو حتی زهرِ خود را کینه خواهد ریخت

چه می شد مثلِ مادرِ نیمهء شب بود تدفینت

صدایت می زند اینک یتیمت از دل خیمه

که اورا راهی میدان کنی با دستِ آمینت

هزاران بار جان دادی ولی در کربلا آخر

در آغوشِ برادرِ دست و پا زد جان شیرینت

کدامین دست دستِ کودکت را بر زمین انداخت؟

نمک شناس آن دستی که روزی بوده مسکینت

دعا کن زخمِ غمِ هایت بسوزاند مرا یک عمر

نصیبم کن نمک از سفرهء همواره رنگینت



پرداختن شخصیت مرد نقش مهم بازی کند.
در یک کلام طویل سیای محمد را اینگونه میتوان توصیف کرد:

او به عنوان آخرین مبعوث زمین از غار حرا سرازیر شد و بیست و سه سال از توحید و یکتا پرستی بصورت مستمر و مکرر دفاع کرد و بر ضد شرک و بت پرستی بیرحانه جنگید و با دو سلاح قرآن و شمشیر بر ضد ابوسفیانها و ابوجهل ها و ابولهب ها جنگید و لختی درنگ نکرد و از هیچ تهدیدی ترسید و هیچگونه تطمیع را نپذیرفت و نظام جاهلیت را واژگون ساخت و به جای آن نخستین حکومت اسلامی را در مدینه مستقر ساخت و قرآن را به عنوان جامع ترین قانون اساسی خداوند در روی زمین اعلام کرد و در سال هشتم هجری مکه را فتح کرد و سیصد و شصت بت را در خانه کعبه سرنگون ساخت و کعبه را به عنوان قبله مسلمین رسا اعلام کرد و در سال دهم هجری، در غدیر خم امام علی را به عنوان خلیفه بلافضل خویش معرفی کرد و فاطمه را بارها به عنوان ملکه مسلمین و سیده النساء العالمین توصیف کرد و در جنگ خندق امام علی را اینگونه توصیف کرد که ضربه علی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین و بارها می گفت انا مدینه العلم و علی بابها و همواره تکرار می کرد که امام علی فاتح جنگهای خونین بدر و احد و حنین و خیبر و خندق و... می باشد و بارها می گفت که اگر ثروت خدیجه و ذوالفقار خونچکان علی نبود، اسلام با آن سرعت و شدت پیروز نمی شد و بارها میگفت زنها امانت خداوند در روی زمین هستند و مردان باید از این امانت الهی خوب نگهداری و پاسداری کنند و مهریه و نفقه زنان را پرداخت کنند و حقوق آنها را در هیچ زمان و مکانی پایال نکنند و بارها می گفت اول خدا را پرستش کنید و بعد در برابر پدر و مادر خود سخت احترام کنید و حتی یک اف به آنها نگوید و سرانجام به اصحاب خود اینگونه مزده داد که اسلام آخرین و کاملترین دین آسانی در روی زمین است و دیر یا زود تمام سنگرهای جهان را فتح خواهد کرد. زیرا وعده خداوند این است که ان الارض برثها عبادی الصالحین؛ یعنی در آخرالزمان حضرت مهدی بزرگترین و پهناورترین حکومت اسلامی و توحیدی را در کل جهان تشکیل خواهد داد و صالحان زمین را به عنوان مدیران و کارمندان و رهبران امت اسلامی تعیین خواهد کرد.

والسلام

کل جهان کشید و ثابت کرد که دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ما است.

بدون شک دین محمد کاملترین و جامع ترین و آخرین دین آسانی در کل جهان است.

و قرآنکریم غنی ترین و کاملترین قانون اساسی خداوند در روی زمین است که نه تورات با او رقابت می تواند و نه هم انجیل و نه هم مکاتب و ایدئولوژیهای گوناگون بشری در همه زمین ها و همه زمانها.

او بعد از بعثت علیه شرک و بت پرستی و سرقت و غارتگری و نظام بردگی و کنیزی جنگید و جامعه نوین و انسان نوین ساخت. بدون شک اسلام بعنوان یک مکتب کامل و چند بعدی هم دنیا را می سازد و هم آخرت را و هم عقل را به کمال مطلوب میرساند و هم عشق را و هم مادیت را به اوج می رساند و هم معنویت را.

بدون شک کمال مطلق خدا است، اما محمد انسان کامل است که هیچکس نمیتواند در این دنیا با او رقابت کند. محمد هم در میدان عبادت بی نظیر بود و هم در میدان سخاوت. او در برابر کفار و مشرکین مثل شیر می جنگید، اما در برابر یک زن بی سرپرست و بچه یتیم مظهر عطوفت و سخاوت بود.

او هنگامی که سر کرنش را به زمین می سائید و در برابر آن معشوق ازلی قرار می گرفت، با چشمان اشکبار چنین نیایش می کرد: اللهم لا تکنلی الی نفسی طرفة عين ابد؛ خداوندا مرا به اندازه یک چشم بهم زدن تنهائیم رها نکن! و همیشه مراقب و مواظب من باش.

اما هنگامی که از صحنه جنگ بر می گشت، اول به سراغ دختر نازنین خود فاطمه می رفت و دست و صورت او را می بوسید و با او بسیار عاشقانه سخن می گفت، تا به مردان خشن و ظالم و ضد زن بفهاند که زن مثل مرد انسان است و او حق حیات دارد؛ هیچکس حق ندارد که دخترش را زنده بگور کند و حقوق انسانی او را بنام پدر یا برادر پایال کند. گاهی در برابر عایشه همسر جوانش این جمله را ادا می کرد و با او اینگونه عاشقانه سخن می گفت: کلمنی یا حمیرا!

ای گل سرخم با من سخن بگو. تا به مردان خشن و ضد زن بفهاند که زن یک انسان است و مظهر جلال خداوند در روی زمین است. تا بفهاند که اگر مرد، پیامبر آخرالزمان هم باشد باز هم به زن نیازمند است و زن میتواند در ساختن و

خداوند در سوره احزاب، آیه ۳۳ پیامبر اکرم را به عنوان بهترین و کاملترین الگوی حسنه برای کل انسانها معرفی کرده است:

لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة... برای شما و آنهایی که امید به پروردگار و روز قیامت دارند و خدا را بسیار یاد می کنند، رسول خدا مقتدایی نیکو است.

خداوند در سوره مزمل نماز شب را برای پیامبر اکرم واجب کرده است: «یا ایها المزمّل! قم اللیل الا قلیلا: ای جامه به خود پیچیده! در شب به پا خیز و شب زنده داری کن، و اندکی بخواب!

نصفه اوانقص منه قلیلا: نیمی از آن شب را یا کمتر از نصف را بخواب و او زذعلیه و رتل القرآن ترتیلا: یا بر نصف شب بیفزای؛ و بعد از خواندن نافله شب قرآن را با تامل و دقت بخوان! انا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً: چرا که ما بزودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد.

در سوره اسراء آیه ۷۹ چنین گفته است:

و من اللیل فتهجد به نافلة لک عسی ان یمتک ربک مقاما محمودا: و پاسی از شب را از خواب برخیز و قرآن و نماز بخوان؛ این یک وظیفه اضافی برای تو است؛ امید است خداوند تو را به مقامی در خور ستایش برساند.

خداوند در سوره بقره آیه ۱۵۱ بزرگترین رسالت پیامبر را تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت ذکر نموده است:» یعنی خداوند پیامبر را از میان قوم خودتان برانگیخته است تا آیات قرآن را برای شما بخواند و شما را تزکیه کند یعنی از آن آلودگیهای جسمی و روحی نجات دهد و کتاب و حکمت را برای شما تعلیم کند و هر آنچه را که نمیدانید برای شما آموزش بدهد.»

محمد رسول الله بعد از بعثت سیزده سال در مکه کار علمی و فرهنگی و تبلیغی کرد. او در مکه هم خود سازی کرد و هم دیگر سازی کرد. او ده سال دیگر در مدینه بر ضد کفار و مشرکین نبرد نظامی کرد. او در مدینه ۷۰ غزوه و سریه را به نحو احسن مدیریت و رهبری کرد.

او نخستین حکومت اسلامی در جهان را، در مدینه تاسیس کرد. او با تاسیس حکومت اسلامی ثابت کرد که یک چهره مذهبی و معنوی میتواند بر اریکه قدرت و ریاست تکیه زند و جهان را دگرگون کند.

او با تشکیل دادن حکومت اسلامی در مدینه خط بطلان و نسیان بر روی لیبرالیسم و کمونیسم و سیکولاریسم در

عقب باز گردد هرگز ضرری به خدا نمی زند و به زودی شاکران را پاداش خواهیم داد.»

در سوره احزاب آیه ۴۰ چنین آمده است: «محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی رسول خدا و خاتم پیامبران است و خداوند بهر چیز آگاه است.»

در سوره محمد آیه ۲ چنین آمده است:» و کسانی که ایان آوردند و عمل صالح انجام دادند و به آنچه بر محمد نازل شده و همه حق است و از سوی پروردگار آمده نیز ایان آوردند، خداوند گناهان شان را می بخشد و کارشان را اصلاح می کند.»

در سوره فتح آیه ۲۹ چنین آمده است:» محمد فرستاده خدا و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند. پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی، آنها همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند. نشانه آنها در صورت شان اثر سجده نمایان است....»

در سوره صف آیه ۶ چنین آمده است:» و به یاد آورید هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالیکه کتاب تورات را که پیش از من فرستاده شده تصدیق دارم و بشارت دهنده به رسولی هستم که بعد از من می آید و نام او احمد است. هنگامی که احمد با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنها آمد، گفتند: این سحری است آشکار.»

در سوره قلم آیه ۴ چنین آمده است:» و انک لعلی خلق عظیم: و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری! پیامبر اکرم فلسفه بعثت خود را اینگونه بیان کرده است:

«انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»: قطعا من مبعوث به رسالت و نبوت شدم تا فضایل اخلاقی را در میان جامعه عرب و غیر عرب و حتی در میان کل انسانها به کمال مطلوب برسانم. او واقعا در طول زندگی پر بار و پر ثمر خویش ثابت کرد که تندیس همه ارزشهای اخلاقی و انسانی می باشد.

خداوند در سوره انبیاء آیه ۱۰۷ پیامبر خویش را رحمة للعالمین معرفی کرده است:

و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین: ما تو را به عنوان پیامبر رحمت و کرامت و محبت برای کل عالم فرستادیم.

ای پیامبر! عموم مردم دنیا اعم از مومن و کافر همگی مروهون رحمت تو هستند؛ چرا که نشر آیینی را به عهده گرفته ای که سبب نجات کل انسان های زمین میباشد.

سازمان بین المللی؛ قحطی در غزه عامدانه وساختگی است

به گزارش پیک سحر از الجزیره، رئیس سازمان بین المللی «کودکان را نجات دهید» گرسنگی دادن را سیاستی عمدی و شیوه ای از جنگ در بدترین اشکال آن دانست و افزود که رژیم صهیونیستی این توانایی دارد که همین امشب به این قحطی پایان دهد، اما درخواست های ده ها سازمان غیردولتی برای ارسال کمک ها به غزه را رد کرده است.

مدیر اجرایی صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) گفت: باید ورود فعالان عرصه بشردوستانه به منظور کمک به نیازمندان و توزیع کمک های بشردوستانه در غزه تضمین شود.

وی تاکید کرد هنگامی که مردم برای دستیابی به غذا از مراکز موسسه بشردوستانه غزه تلاش می کنند، هدف تیراندازی قرار می گیرند.

راسل همچنین در گفت وگویی با شبکه سی بی اس آمریکا، افزود: کودکان فلسطینی در غزه با یک قحطی وحشتناک مواجه هستند که لازمه آن متوقف کردن مناقشات و ورود فوری غذا به این منطقه است.

وی گفت: کودکان در غزه از ماه ها قبل بدون غذای کافی زندگی می کنند و حتی از انرژی لازم برای گریه کردن نیز برخوردار نیستند.

مدیر اجرایی صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، افزود: از ابتدای جنگ علیه غزه روزانه حدود ۲۸ کودک در نوار غزه جان خود را از دست داده اند.

به گزارش پیک سحر از الجزیره، رئیس سازمان بین المللی «کودکان را نجات دهید» گرسنگی دادن را سیاستی عمدی و شیوه ای از جنگ در بدترین اشکال آن دانست و افزود که رژیم صهیونیستی این توانایی دارد که همین امشب به این قحطی پایان دهد، اما درخواست های ده ها سازمان غیردولتی برای ارسال کمک ها به غزه را رد کرده است.

وی با تاکید بر مسئولیت جهانی برای توقف این فجایع، گفت که هر تصمیم گیرنده ای در جهان در این خصوص مسئولیت قانونی و اخلاقی دارد.

سوربو همچنین با ابراز نگرانی شدید به افزایش شمار کودکانی در غزه اشاره کرد که آرزوی مرگ دارند و افزود که بسیاری از کودکان فلسطینی در بازداشتگاه های نظامی اسرائیل نگهداری شده و در برابر دادگاه های نظامی حاضر می شوند که استناداردهای بین المللی را رعایت نمی کنند.

رئیس سازمان بین المللی «کودکان را نجات دهید» از کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست تا انتقال تسلیحات به رژیم اسرائیل را متوقف کرده و از کمک های نظامی به این رژیم جنایتکار خودداری کنند.

وی همچنین بر لزوم حمایت از سازوکارهای پاسخگویی و جلوگیری از همدستی در این فجایع تاکید کرد.

